

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره نهم ، شماره سی و دوم ، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

تاریخ بازنگری نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

صفحات: ۲۹ - ۱

شناخت وظایف و اختیارات ضابطین

سید مهدی حسینی^{*}

چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اسفند ماه تصویب و در خود قانون پیش‌بینی شده بود که شش ماه برای ایجاد بسترهای لازم، با تأخیر اجرا گردد. با توجه به موارد موجود در خود قانون و ایجاد لوازم اجرای آن مجدداً با تصویب مجلس شورای اسلامی شش ماه دیگر فرجه برای اجرای قانون اتخاذ گردید. النهایه با همت همه دست اندرکاران به ویژه اهتمام ویژه قوه قضائیه قانون مورد بحث در تیرماه سال ۱۳۹۴ بر اساس مهلت‌های تهیه شده اجرایی گردید.

قانون مذکور از لحاظ کمیت و محتوا دارای تغییرات و نوآوریهای بسیار متنوعی نسبت به دیگر قوانین مصوب در تعیین آیین رسیدگی شکلی به امور کیفری می‌باشد. در این قانون اصول دادرسی قدیم و نوین، تکالیف مقامات تحقیق و تعقیب به تفکیک، تشکیل محاکم جدید و مورد دقت قرار گرفته است. یکی از این تغییرات، مربوط به امور ضابطین است.

به هر حال با عنایت به تغییرات و تدوین موارد جدید مربوط به ضابطین قضایی، تکلیف نو، اختیارات تعیین شده برای آنها و به خصوص ضمانت اجرای کیفری مقرر شده برای نقض دستورات قانون، بسیار مفید خواهد بود که، این بازوان دستگاه قضایی و برقرار کنندگان نظم اجتماعی، تضمین کنندگان امنیت با این موارد قانونی به خوبی آشنا گردند. این آشنایی و اطلاع از قانون باعث خواهد شد تا نظرات مدوّنین به درستی تأمین شود و انشاءالله مجموعه پیش‌رو بتواند گام مثبتی باشد.

واژگان کلیدی: ضابط، ضابط عام، ضابط خاص، دستورات مقام قضایی.

مقدمه

پس از ایجاد جوامع و شکل‌گیری قوانین حقوقی، مقننین به سرعت دریافتند که علاوه بر قوانین ماهوی، قواعدی نیز جهت روش اجرا نیاز است. این روش اجرا، در محاکم «آیین دادرسی» نام گرفت. در حقوق کنونی در سراسر جهان، آیین دادرسی به عنوان یک قانون پایه شامل اصول و تشریفات برای رسیدن به واقعیت موضوع مطروحه و کشف حقیقت تصویب و اجرا می‌شود و مدونین سعی می‌کنند آن را با نیازهای روز در جامعه تطبیق دهند. آیین دادرسی کیفری از دو وجه تشکیل شده و شامل آیین دادرسی در امور کیفری و آیین دادرسی در امور مدنی می‌باشد. در حوزه حقوق کیفری، قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان نماد حق‌خواهی، التزام به آن و نظم شناخته و پرچمدار اجرای عدالت می‌باشد.

قانون مورد بحث، پس از تهیه پیش‌نویس آن توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه و اقدامات لازم در جهت پویایی حداکثری به مجلس محترم ارائه و در سال ۱۳۹۲ مورد تصویب قرار گرفت و در سال ۱۳۹۳ ابلاغ گردید. با عنایت به نوآوری‌ها و تحولات بسیار زیاد در عرصه این قانون و مهلت‌های در نظر گرفته شده برای اجرای آن که خود نشانی از اهمیت آن می‌باشد، مقرر شد تغییرات و مطالب جدید در خصوص وظایف و اختیارات ضابطین در این مقطع از زمان مورد بحث قرار گیرد.

نشانه‌های اختصاری

قانون اساسی	ق.ا
قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۹ / ۱۰ / ۱۳۸۲	ق.م.ج.م
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون مجازات اسلامی	ق.ا.م
کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۲ / ۳ / ۱۳۷۵	قانون تعزیرات
قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۷۳	قانون بکارگیری سلاح

معانی ضابط

مجموعه علمی پیش‌رو به صورت تخصصی برای استفاده ضابطین تهیه و تدوین شده است لذا معنی « ضابط » بایستی از لحاظ لغوی و اصطلاحی هر چند مختصر مورد تعریف و تشریح قرار گرفته تا ضابطین محترم نسبت به این واژه آشنایی نسبی داشته باشند.

معنای ضابط در اصطلاح حقوقی

در معنای اصطلاحی ضابط به فردی ابلاغ می‌شود که برقرار کننده نظم و اجرا کننده دستورات باشد. دکترین حقوق، تعاریف اصطلاحی مختلفی را در رابطه با معنای ضابط بیان نموده‌اند از جمله جناب آقای دکتر آخوندی در تعریف ضابطین نوشته‌اند: ضابط دادگستری یا پلیس قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم و حفظ آثار و دلایل آن جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون اقدام می‌کنند. همچنین جناب آقای دکتر آشوری تعریف مشابهی را از این واژه ارائه داده است.^۲

معنای ضابط دادگستری

ضابط در یک تقسیم‌بندی کلی به ضابطین عام و ضابطین خاص تقسیم می‌شود. ضابطین عام را می‌توان به زبان ساده این گونه تعریف کرد: «ضابطینی که حق اقدام و مداخله در همه امور را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده باشد که امروز مصداق بارز و علم صادق آن کارکنان خدوم پلیس می‌باشند که در همه حوزه‌ها اعم از پیشگیری، مبارزه با جرایم تا اجرای احکام کیفری بازوی قابل اعتماد دستگاه قضایی به شمار می‌روند. شناختن پلیس به عنوان ضابط عام در قوانین کیفری شکلی مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به ماده ۲۸ قانون آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ اشاره نمود. قابل ذکر است حوزه کاری پلیس آنجاست که در مواردی هم که قانون حق دخالت را به موجب قانون ندارد و باز هم به موجب دستورالعمل‌ها و توافقات موظف به همکاری شده است.

مفهوم ضابطین دادگستری

آنچه درباره مفهوم «ضابطین» مورد بحث است این مطلب می‌باشد که تفاوت در این مفهوم باعث می‌گردد که پرونده‌ای از صلاحیت یک مرجع رسیدگی خارج و در صلاحیت مرجع دیگر قرار بگیرد. همانگونه که مستحضرید این بحث بیشتر در مورد نیروی انتظامی صادق می‌باشد. برابر ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نیروی انتظامی در ردیف سایر نیروهای نظامی شمرده شده است و از طرفی مطابق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام معرفی شده است. حال بر اساس قانون جرایمی که نیروهای نظامی در مقام ضابط دادگستری انجام می‌دهند از صلاحیت دادگاه نظامی خارج و در صلاحیت محاکم عمومی قرار می‌گیرد. حال توجه به مفهوم ضابطین و شناخت آن باعث می‌گردد مأمورین در انجام وظیفه خود دقت نمایند به عنوان مثال چنانچه یک مأمور در راستای اجرای حکم جلب در تاریخ مقرر مرتکب یک تیراندازی گردد چون جرم در مقام ضابط است موضوع در دادسرای عمومی رسیدگی می‌شود اما چنانچه تاریخ حکم جلب گذشته باشد و مأمورین بدون دقت به این موضوع و در راستای اجرای آن

مرتکب جرم می‌گردند چون در مقام ضابط نیست جرم آنها در حین خدمت محسوب و به سبب نظامی بودن در صلاحیت دادرسی دادگاه‌های نظامی می‌باشد.
پس بر مأمورین خدوم لازم است در شناخت وظیفه به عنوان ضابط و دقت در اوراق و مأموریت‌های محوله تلاش کافی و وافی را داشته باشند.^۳

انواع ضابطان دادگستری

ضابطان دادگستری خود به دو دسته تقسیم میشوند:

الف) ضابطان عام؛

ب) ضابطان خاص؛

الف: ضابطان عام

ضابطان عام اشخاصی هستند که به موجب قانون صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده است.

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در معرفی مصادیق ضابطان می‌گوید:

ضابطان دادگستری عبارتند از:

۱. ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

(نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح، در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور).

این تعریف در قانون نیروی انتظامی مصوب سال ۱۳۶۹ آمده است.

هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، (استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون نیروی انتظامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران) است.

مأموریت‌های این نیرو دارای سه جنبه است: اداری، انتظامی و ضابط قوه قضاییه.

۱- مأموریت اداری نیروی انتظامی برای حفظ پایداری و موجودیت خود سازمان است و ارتباط مستقیم با پیشگیری از جرم و وقوع آن ندارد؛

^۳ برای آشنایی بیشتر با دیگر ضابطین خاص و انواع آنها رجوع کنید به قاسم پور، ابوالقاسم، ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و قوانین متفرقه، ص ۷۵ به بعد؛ تهران، نشر افق امید سال ۱۳۸۷

۲- مأموریت انتظامی ارتباط مستقیم با پیشگیری از وقوع جرم دارد و مربوط به پیش از وقوع جرم است مانند: گشت‌های انتظامی برای پیشگیری وضعی از جرم یا حراست و کنترل ورود و خروج به بعضی از اماکن خاص؛

۳- وظایف و مأموریت‌های ضابطین نیروی انتظامی برای کشف و تعقیب جرایم و همکاری با دستگاه قضایی در تمام مراحل دادرسی است.

مهمترین وظایفی که نیروی انتظامی بعنوان ضابط قوه قضاییه بعهدده دارد، برابر بند (۸) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی و عبارتند از:

۱. مبارزه با مواد مخدر؛

۲. مبارزه با قاچاق؛

۳. مبارزه با منکرات و فساد؛

۴. پیشگیری از وقوع جرم؛

۵. کشف جرایم؛

۶. بازرسی و تحقیق؛

۷. حفظ آثار و دلایل جرم؛

۸. دستگیری متهمین؛

۹. اجرا و ابلاغ احکام قضایی؛

۱۰. انجام امور مربوط به تشخیص و کشف علمی جرایم؛

۱۱. همکاری با دبیرخانه پلیس بین‌المللی (اینترپل).

ب: ضابطان خاص

ضابطان خاص اشخاصی هستند که به موجب قانون، حق دخالت در هیچ جرمی را ندارد مگر آنچه قانون صریحاً تجویز نموده است.

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در معرفی مصادیق ضابطان خاص می‌گوید:

ضابطان دادگستری عبارتند از:

ب) ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب میشوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

ملاحظه میشود که باتوجه به ترکیب (از قبیل) در بند یاد شده، ضابطان خاص محصور در موارد ذکر شده در آن بند نمی‌شود و این عنوان شامل سایر مقاماتی نیز می‌شود: ((که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند)).

گفتنی است که سازمان اطلاعات سپاه که در حال حاضر با اجازه مقام معظم فرماندهی کل قوا به عنوان ضابط خاص شناخته می‌شود. در اصلاحاتی که اخیراً در مجلس شورای اسلامی درخصوص موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مطرح است به عنوان ضابط خاص به ماده ۲۹ افزوده شده است.^۴

ضابطان خاصی که به موجب قوانین پراکنده تعیین شده‌اند، شامل مأموران مختلفی است که در زیر به معرفی تعدادی از آن‌ها اکتفا می‌شود:

- ۱- رؤسا و معاونان زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان
- ۲- مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۳- اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۴- سایر نیروهای مسلح با تصویب قانون خاص
- ۵- بازرسان مخصوص وزارت بهداشت طبق ماده ۲۰ قانون مربوط به اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸^۵
- ۶- فرمانده هواپیما به موجب ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ نسبت به جرایم ارتكابی در درون هواپیما و نیز ماده ۵ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما.^۷

^۴ جهت آشنایی تفصیلی با مصادیق و رتبه‌بندی ضابطان خاص و قوانین و مقررات مربوط به این دسته از ضابطان به نظریه‌ی تفصیلی کمیسیون آیین دادرسی کیفری اداره حقوقی قوه قضاییه در این زمینه به شماره ۷/۲۲۵۵ مراجعه فرمایید.

^۵ ماده ۲۰. از نظر اجرای مقررات این قانون در هر نقطه که وزارت بهداشتی بداند می‌تواند موضوع را به مأمورین گارد مسلح گمرک و یا مأمورین مرزبانی و یا بازرسان مخصوص وزارت بهداشتی ارجاع نمایند در این صورت مأمورین مذکور مانند ژاندارمری و شهربانی ضابط دادگستری محسوب و بترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری تحت تعلیمات دادستان محل باید انجام وظیفه نمایند.

تبصره: کسانی که مأمور تعقیب جرایم مذکور در این قانون می‌باشند و با علم به اینکه جرایم مذکور در این قانون از طرف اشخاصی ارتکاب یافته از انجام وظیفه‌ای که برای تعقیب دارند خودداری نمایند به اشد مجازاتی که برای مرتکبین معین شده محکوم خواهند شد.

^۶ ماده ۳۲. در موردی که جنحه و جنایاتی داخل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می‌کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مأمورین صلاحیت‌دار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی تفتیشات و تحقیقات مقدماتی را بعمل آورده دلایل و مدارک جرم را جمع‌آوری و تأمین نماید و در صورت لزوم می‌تواند موقتاً مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف کند مسافرین و اعضاء هیأت رانندگی را تفتیش و اشیایی را که ممکن است دلیل جرم باشد توقیف نماید.

در مورد این ماده فرمانده هواپیما برای تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی از ضابطین دادگستری محسوب میشود و کلیه وظایفی را که بموجب فصل دوم قانون اصول محاکمات جزایی برای کمیسرها شهربانی مقرر است عهده‌دار می‌باشد.

^۷ ماده ۵

۱. مقررات این فصل در مورد جرایم و اعمالی که توسط شخصی در هواپیمای در حال پرواز چه بر فراز فضایی هوایی دولت ثبت کننده چه بر فراز دریاهای آزاد یا بر فراز منطقه‌ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد ارتکاب یافته یا شروع به ارتکاب آن شده جاری نخواهد بود. مگر اینکه آخرین نقطه

- ۷- پلیس انتظامی راه آهن طبق ماده ۸ و تبصره ۴ ماده ۶ قانون ایمنی راه‌ها مصوب ۴۹ با اصلاحات بعدی
- ۸- مأموران گارد بنادر و گمرکات بموجب ماده ۵ قانون اختیارات مالی و استخدامی سازمان بنادر کشتیرانی مصوب ۱۳۴۸^۸
- ۹- مأموران محافظ سازمان میراث فرهنگی مطابق بندهای ۷ تا ۹ مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۸ شورای عالی امنیت ملی. مأموران نهادهای ذیل نیز هر چند ضابط شناخته نمی‌شوند ولی گزارش آنان در چارچوب مقررات در حکم ضابط قوه قضائیه محسوب می‌شود:
- ۱- مأموران شهرداری طبق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹
- ۲- مأمورین وزارت جهاد کشاورزی مطابق ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت مصوب سال ۱۳۵۲ و ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب.
- ۳- مأمورین وزارت نیرو مطابق ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۰ قانون سازمان برق ایران مصوب سال ۱۳۴۶.
- ۴- بازرسان سازمان تأمین اجتماعی، مطابق ماده ۱۰۲ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴.
- ۵- بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار، مطابق ماده ۱۰۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹.
- ۶- مأمورین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مطابق ماده ۱۵ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰
- ۷- مأمورین سازمان بازرسی و نظارت، وزارت صنعت، تجارت و بازرگانی، مطابق ماده واحده لایحه قانونی راجع به مأمورین سازمان قند و شکر مصوب ۵۹/۴/۲۱.
- از دیگر گروه ضابطان قضایی می‌توان به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز اشاره کرد. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است:
- ((ماده ۳۱. بمنظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن بموجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود.))

برخاست یا اولین نقطه مورد نظر برای فرود بعدی در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت کننده باشد و یا هواپیما متعاقباً در فضای هوایی دولتی غیر از دولت ثبت کننده پرواز کند و شخص مذکور هنوز سوار هواپیما باشد.

۲. علی‌رغم مفاد بند ۳ ماده ۱ از لحاظ این فصل هواپیما از زمانی که کلیه درهای خارجی آن پس از سوار شدن مسافین بسته شد تا زمانی که مجدداً بمنظور پیاده شده مسافین بازگردد در حال پرواز تلقی می‌شود. در صورت فرود اجباری مقررات این فصل همچنان در مورد جرایم و اعمال ارتكابی در هواپیما تا زمانی که مقامات صالح یک دولت مسئولیت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را بعهده بگیرند جاری خواهد بود.

۸ ماده ۵. مأمورین گارد بنادر و گمرکات از لحاظ اجرای اختیارات سازمان بنادر و اداره کل گمرک در حکم ضابطین دادگستری محسوب و دارای همان اختیارات و صلاحیتی خواهند بود که مأمورین شهربانی و ژاندارمری دارا می‌باشند.

بدیهی است که تا تصویب چنین لایحه‌ای، وظایف پلیس اطفال و نوجوانان با رعایت مقررات پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری توسط سایر ضابطان عام انجام می‌یابد.

تفاوت ضابط عام و خاص

به زبان ساده تفاوت ضابطین عام و خاص مربوط به حوزه عملکرد آنها است. ضابطین عام حق مداخله در تمامی جرایم مشهود را دارند و می‌توان دستورات قضایی را در هر مورد خطاب به آنان صادر کرد که مصداق بارز این قشر از ضابطین کارکنان آموزش دیده و دارای کارت ضابطین در نیروی انتظامی هستند. از سوی دیگر ضابطین خاص که برخی از آنها در بندهای قبلی مورد اشاره قرار گرفتند؛ فقط حق مداخله در حوزه مأموریتی را دارند که بر طبق قانون به آنها سپرده شده است. به عنوان مثال قاضی نمی‌تواند حکم جلب یک شکارچی غیرمجاز را به اداره محیط زیست و مأمورین گارد حفاظت آن محول نماید.

شرایط دارا شدن عنوان ضابط

تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، احراز و تصدی این عنوان صرفاً تابع پیش‌بینی مقامات و مأموران و افسران موردنظر در قانون بود و شرط دیگری نداشت؛ اما با تصویب قانون یاد شده، شرایط پیش‌بینی شده که امکان دارا شدن این عنوان را از بعضی از اشخاص و مقامات به صرف نداشتن این شرایط سلب می‌کند، حتی اگر از این اشخاص یا مقامات در قانون به عنوان ضابط نام برده شده باشد.

به موجب ماده ۳۰ این قانون:

((احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیرنظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است.))

درمبحث‌های زیر به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

وثاقت و مورد اعتماد بودن

این شرط برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.^۹ منظور از وثاقت و مورد اعتماد بودن این است که علاوه بر داشتن صلاحیت‌های مکتبی و عقیدتی که برای همه‌ی نیروهای مسلح لازم است و از دست دادن هر یک از آنها موجب از دست دادن صلاحیت سربازی و پاسداری برای نظام جمهوری اسلامی

^۹ ناگفته نماند که در قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ماده ۲۶۰ اشاره به عادل بودن ضابط دادگستری کرده بود لکن این شرط برای احراز عنوان ضابط دادگستری نبود بلکه همان‌گونه که ماده صراحت داشت همانند گزارش کارشناسان و گواهی گواهان، برای اعتبار قائل شدن به گزارش آنها بود که علاوه بر عدالت به دو نفر بودن آنها نیز تصریح شده بود.

ایران است، برای احراز عنوان ضابط دادگستری و ضابط نظامی این مأموران باید از ویژگی‌های برجسته‌تری از نظر قابلیت‌های ایمانی و امانت و سلامت جسمی و روحی برخوردار باشند. البته تفصیل نحوه انتخاب پایوران، احراز این صلاحیت‌ها و آموزش‌های موردنیاز و نیز نحوه صدور کارت ضابطی به موجب آیین‌نامه‌ی موضوع مواد ۳۰ و ۶۰۴ خواهد بود.

کسب مهارت و گذراندن آموزش‌های لازم

صرف پیش‌بینی در قانون یا قابل اعتماد بودن برای تصدی این مسئولیت کافی نیست و علاوه بر آن شخص باید آموزش‌های لازم را زیر نظر مقام قضایی گذرانده و کارت شناسایی ویژه‌ی این مسئولیت را کسب کرده باشد. با این وجود، همان‌گونه که در ماده ۳۰ تصریح شده است، آموزش پایوران برای صدور کارت ضابطان مستلزم کسب دو دسته از آموزش هاست:

۱- آموزش‌های عملی به منظور کسب مهارت

۲- آموزش‌های نظری به منظور کسب دانش لازم

در واقع، آموزش‌های عملی ضابطان می‌تواند در قالب کارورزی در شعب قضایی یا به صورت کارگاه‌هایی ((مطالعه موردی)) بافعالیت‌های تمرینی ضابطی زیر نظر قضات با تجربه باشد.

از سوی دیگر، آموزش‌های نظری نیز که مشتمل بر آشنایی با اخلاق حرفه‌ای ضابطان، وظایف و اختیارات ضابطان، مسؤولیت‌ها و مصونیت‌های آنان، مسائل مربوط به علوم جرم‌یابی و کشف جرم و نیز اهم مسائل حقوق جزای عمومی اختصاصی می‌باشد.

ناگفته نماند، که در راستای تأمین اهداف بهره‌وری آموزشی در حوزه تخصصی ضابطان، با توجه به ماده‌ی ۳۰ اگر آموزش‌های طی شده زیر نظر مقام قضایی نباشد از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود.

البته مواد ۶۰۳ و ۶۰۴، آموزش ضابطان نظامی را در دو مرحله بر عهده ((سازمان قضایی)) قرار داده است:

۱-مرحله صدور کارت

۲-مرحله حین انجام وظیفه

باتوجه به این دو ماده گذراندن دوره‌های آموزشی پیش از صدور کارت به تنهایی کافی نیست و با در نظر گرفتن شرایط پویایی جامعه، و نیز تغییر و اصلاح قوانین مختلف در حوزه‌های آیین دادرسی و حقوق جزای عمومی و اختصاصی و نیز علوم جرم یابی، دادستان بعنوان رئیس ضابطان مکلف شده است تا دوره‌های بازآموزی و نیز دوره‌های توجیهی برای ضابطان در طول خدمت ضابطی آنها برگزار کند.

داشتن کارت ویژه

این شرط نیز از شروطی است که در قانون جدید برای نخستین بار مطرح شده است. البته پیش از این در قانون حمایت قضایی از بسیج، یکی از شروط لازم برای اقدام بسیجیان بعنوان ضابط خاص دادگستری داشتن کارت شناسایی ویژه ضابطان پس از گذراندن آموزش‌های لازم دانسته شده بود، لکن قانون جدید این شرط را درباره همه‌ی انواع ضابطان اعم از ضابطان عام و خاص دادگستری و نیز ضابطان نظامی شرط دانسته است.

برابر ذیل ماده‌ی ۳۰، تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع واز نظر قانونی بدون اعتبار است.

گفتنی است که برابر ماده‌ی ۶۳ تخلف از مقررات این ماده توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی است.

همچنین برابر تبصره ماده‌ی ۳۲ و تبصره ماده‌ی ۶۰۹ ((ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است)).

وظایف ضابطین در جرایم مشهود:

تعریف جرم مشهود

جرم مشهود در قانون تا به امروز مورد تعریف واقع نشده است، بلکه قانونگذار به بیان مصادیق آن اکتفا کرده است. حقوقدانان نیز تعاریف مختلفی از جرم مشهود ارائه نموده‌اند. به زبان سلیس جرم مشهود، جرمی است که در مرئی و منظر پلیس یا مردم واقع گردیده و یا مصداقی از آن باشد.

«ماده ۴۵- جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

ج - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز گردد.

د- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ح- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

و - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

ز - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

تبصره ۲- ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.»

وظایف ضابطین در مواجهه با جرم مشهود

جرم مشهود در واقع بدترین نوع قدرت‌نمایی فرد بزهکار در مقابل قانون و هنجارهای جامعه است. هرگاه شخصی با علم و آگاهی، عالماً و عامداً در مرئی و منظر برقرارکنندگان نظم اجتماعی یعنی ضابطین قضایی یا عامه مردم مرتکب جرم می‌شود در واقع حالت خطرناک و جامعه ستیز خود را عریان میکند و احساس امنیت را کاهش می‌دهد. البته امنیت و احساس آن دو مقوله جداست و در واقع امنیت را معمولاً حسی توصیف می‌کنند که به انسان زمانی دست می‌دهد؛ که بداند خطری او را تهدید نمی‌کند.

با توجه به این نگرانی مدوّنین قوانین جزایی در همه کشورها جهت کنترل و کاهش این نوع از تخریب اجتماعی مقررات ویژه‌ای را وضع کرده‌اند.

یکی از این مقررات دادن اختیارات کم‌نظیر به ضابطین قضایی در برخورد با جرم مشهود است. به این معنی که در جهت کشف سریع جرم، حفظ آثار و ادله جرم، جلوگیری از فرار و بیم تبانی شاهدین و مطلعین با عوامل جرم ضابطین دارای صلاحیت‌هایی هستند که در سایر موارد دارای چنین قدرت عملی نمی‌باشند. در ذیل به اهم این موضوعات اشاره خواهد شد:

در تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.^{۱۰} به جز جرایم مشهود ضابطین قضایی حق تحقیق محسوس و آشکار در مورد یک جرم را از افراد ندارند و حتماً می‌بایستی از مقام قضایی کسب دستور نموده یا تحقیقات خود را پیرامون موضوع به صورت نامحسوس انجام دهند.^{۱۱} زیرا متهم از انگ

۱۰ ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۱۱ ماده ۴۳- هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.

شهرت به اتهامی که هنوز دلایل توجه آن به او مورد بازرسی کامل قرار نگرفته، مصون است.^{۱۲} زیرا اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.^{۱۳} اما در پی وقوع جرم مشهود ضابطین قضایی می‌توانند بدون اذن مقامات قضایی و با اجازه پیش‌بینی شده در قانون تحقیقات لازم را انجام دهند. مقنن در این باره چنین بیان می‌دارد:

«ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، درباره جرائم مشهود تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم وادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک بدست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.»

در واقع تحقیقات مقدماتی و حفظ صحنه جرم، سرچشمه حقایق و اطلاعات مربوط به جرم و مجرم است.^{۱۴} ضابطین در تحقیقات مقدماتی که شامل تحقیق و بازجویی نیز می‌باشند وظایف و تکالیف مهمی را برعهده دارند که می‌توان به موارد مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به شرح ذیل اشاره کرد:

۱- انجام تحقیقات توسط ضابطین آموزش دیده:

ماده ۳۰- احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارتهای لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

۲- انجام دستورات (تحقیقات و...) در زمان مقرر:

ماده ۳۵- ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضائی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

۱۲ خالقی، علی، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، ص ۴۰، سال ۱۳۸۳

۱۳ خالقی، علی، تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۶، ص ۱۳، سال ۱۳۸۸

۱۴-نجابتی، مهدی، پلیس علمی، انتشارات سمت، سال ۹۰، ص ۲۸

تبصره - چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضائی مربوط ارسال کنند.

۳- تحقیق از شاکی در همه اوقات:

ماده ۳۷- ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.

۴- معاضدت شاکی در رابطه با حقوق وی:

ماده ۳۸- ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.

۵- حفظ اسرار افراد در خلال تحقیقات:

ماده ۴۰- افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

۶- عدم اختیار أخذ تأمین:

ماده ۴۱- ضابطان دادگستری اختیار أخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضائی نیز نمی‌توانند أخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه أخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.

۷- بازجویی از زنان و اطفال توسط ضابطین مؤنث:

ماده ۴۲- بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

۸- تحقیقات نامحسوس:

ماده ۴۳- هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات

لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.

۹- أخذ دستور قضایی برای انجام تحقیقات:

ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و أخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

ماده ۴۶- ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

ماده ۵۴- ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آنکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.

۱۰- اطلاع از افراد تحت نظری به مقامات قضایی:

ماده ۴۷- هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی را به عمل آورد.

۱۱- تفهیم استفاده از حق داشتن وکیل در تحقیقات ضابطین:

ماده ۴۸- با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

۱۲- تفهیم حق تماس با خانواده و ملاقات با پزشک:

ماده ۵۰- شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در اینصورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند.

ماده ۵۱- بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

۱۳- تفهیم حقوق قانونی متهم:

ماده ۵۲- هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

۱۴- تعیین ساعت بازجویی:

ماده ۵۳- ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

تبصره- در این ماده و نیز در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضاء و یا اثر انگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد.

۱۵- شماره گذاری اوراق تحقیق:

ماده ۵۹- ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری نمایند، در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

تبصره- رعایت مفاد این ماده در خصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه، الزامی و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

۱۶- ممنوعیت الغا و اجبار در تحقیقات:

ماده ۶۰- در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

۱۷- ممنوعیت تحمیل هزینه‌های تحقیقات بر افراد:

ماده ۶۲- تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است.

۱۸- تبعیت از دستورات بازپرس حوزه قضایی دیگر:

ماده ۱۲۲- هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضائی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند. در اینصورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورهای بازپرس هستند.

۱۹- احصار صحنه منجر به سلب حیات:

ماده ۱۳۳- ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری کنند.

۲۰- عدم تحقیق از اطفال زیر ۱۵ سال:

ماده ۲۸۵- در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعب‌هایی از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید.

تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد.

تبصره ۲- در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

در دستگیری و توقیف افراد

دستگیری و توقیف افراد یکی از موارد مهمی است که ضابطین قضایی بایستی در آموزش دقیق و توجه به آن اهتمام خاصی داشته باشند. با عنایت به تأکید دین مبین اسلام که در لسان قرآن و ائمه اطهار جاری شده است و همچنین نگاه ویژه در قانون اساسی در مورد ممنوعیت دستگیری بدون اذن قانون، هرگونه اقدام بدون مجوز با برخورد کیفری مواجه خواهد شد. این حق افراد جامعه که امنیت قضایی نیز خوانده می‌شود در اصول مختلف قانون اساسی ذکر شده است. اصول متعددی بر حق امنیت قضایی مردم دلالت دارد. معنای امنیت قضایی این است که افراد یک کشور، احساس کنند که بی دلیل و برخلاف قانون تحت تعقیب و پیگرد قرار نمی‌گیرند و به بهانه‌های واهی، حکم دستگیری، جلب و احضار آنها صادر نمی‌شود و مادامی که دلیلی بر مجرمیت نباشد، مجرم به حساب نمی‌آیند و نیز افراد یک کشور، باور داشته باشند که در صورت اتهام و دستگیری، برخوردها، بازجوییها، محاکمات و داور، کاملاً انسانی و بر اساس قانون خواهد بود و هر فرد حق دارد جهت اثبات برائت خود، وکیل بگیرد و حتی در صورت عدم تمکن فرد برای گرفتن وکیل، امکانات تعیین وکیل را برای وی فراهم می‌سازند و از این بالاتر، حتی در صورت ارتکاب جرم و اثبات مجرمیت، بازجویی، محاکمه و مجازات، در محدوده قانون خواهد بود و از شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند و نیز هتک حرمت و حیثیت خبری نخواهد بود.

یکی دیگر از عوامل احساس امنیت قضایی، این است که افراد یک کشور، حق داشته باشند دادخواهی کنند و به دادگاه‌های صالح، جهت طرح شکایت و اقامه دعوا مراجعه نمایند و اینگونه دادگاه‌ها در دسترس ایشان باشند.

اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی که به حقوق ملت اختصاص دارد، مانند اصول سی و دوم تا سی و نهم، مربوط به امنیت قضایی است.

اصل سی و دوم: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.

اصل سی و سوم: هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع، یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند.

اصل سی و پنجم: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه ثابت شود.

اصل سی و هشتم: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

با همه این تأکیدات مقنن در مورد جرایم مشهود به ضابطین این اختیار را داده است تا بدون اذن مقام قضایی افراد را دستگیر و تا مدت ۲۴ ساعت تحت نظر قرار دهند. البته قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تمهیداتی را در مورد این قبیل تحت نظر گرفتن‌ها اندیشیده است. در مورد وظایف ضابطین برای دستگیری افراد در جرایم مشهود مقنن در قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ اختیارات وسیعی را به

ضابطین واگذار نموده بود^{۱۵}. اما در قانون بعدی دامنه این اختیارات را محدود و قیودی بر آن اضافه کرده است که می‌توان اطلاع ظرف یک ساعت به مقام قضایی را به عنوان نمونه بیان کرد. قانون‌گذار اشعار می‌دارد:

«ماده ۴۹- به محض آنکه متهم تحت‌نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت‌نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت‌نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت‌نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت‌نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.»

به هر حال توجه و محدودیت قانون‌گذار باعث خواهد شد، تا از خطاهای رفتار ضابطین کاسته شود.

مقنن تکالیف جدیدی را برای ضابطین در رابطه با دستگیری و توقیف افراد در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در نظر گرفته است که اهم موارد آن و مستندات قانون به شرح ذیل می‌باشد:

۱- دستگیری با اذن مقام قضایی یا مجوز قانون‌گذار:

ماده ۴۳- هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب را اتخاذ می‌کند.

۲- اعلام مشخصات فرد دستگیر شده ظرف یک ساعت:

۱۵ ماده ۲۴ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند. در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت‌نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

ماده ۴۷- هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

۳- اعلام و تفهیم حقوق متهم به فرد دستگیر شده:

ماده ۵۲- هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

ماده ۵۳- ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

به عنوان ختم کلام می توان به مجازات توقیف غیرقانونی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ کتاب پنجم تعزیرات قید شده است اشاره نمود؛ مقنن اشعار می دارد :

« ماده ۵۸۳: هرگاه مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۶: هر گاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده ی مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد.»

در بازرسی از اماکن و اشیاء:

هر چند در خصوص جرم مشهود قانون گذار تحت شرایطی اجازه توقیف موقت و تحت نظر قرار دادن افراد را به ضابطین قضایی داده است، اما ورود به اماکن خصوصی افراد و یا تفتیش اموال و... را تحت هر شرایطی با اذن مقام قضایی می داند. هر چند نظراتی در مورد امکان ورود به منازل در هنگام وقوع جرم مشهود وجود دارد که به اهم آنها اشاره خواهد شد.

اختلاف حاصل شده به علت تفاسیر مختلف از قانون از جمله قسمت اخیر ماده ۲۴ ق.آ.د.ک منسوخ مصوب ۱۳۷۸ بود. قانون گذار در این ماده اشعار می داشت:

«تفتیش منازل، اماکن، اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد.»

عده ای با برداشت از مفهوم مخالف فوق معتقد هستند که، تفتیش منازل، اماکن، و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم مشهود نیاز به حکم قضایی ندارد و فقط در جرایم غیر مشهود اذن مقام قضایی لازم است. این موضوع آنقدر چالش بر انگیز و پر اهمیت است که نظریات مشورتی متعدد اداره حقوقی در این زمینه صادر شده است که در ذیل به بخشی از این نظریات اشاره شده است:

نظریه شماره ۲۳۱۷ به تاریخ ۱۳۶۵/۴/۷

نظریه شماره ۷/۵۴۱۸ به تاریخ ۷۲/۸/۲۳

نظریه شماره ۷/۳۶۹۴ به تاریخ ۱۳۷۳/۷/۲۸

اما آخرین نظریه این اداره به صورت جامع تری به این موضوع پرداخته است که در ذیل به آن اشاره می گردد. قابل توجه است که نظریات مشورتی برای همه و از جمله قضات جنبه ارشادی دارد و قابل استناد نمی باشد:

نظریه شماره ۷/۴۳۷ به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۹: «بازرسی از منازل به منظور دسترسی به متهم در جرایم مشهود چنانچه با رعایت مقررات ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ صورت می گیرد باید با اجازه صاحب خانه یا متصرف خانه صورت گیرد، مگر اینکه بیم فرار متهم وجود داشته باشد و ضابطان ناگزیر شوند برای جلوگیری از فرار متهم وارد منزل شوند که در آن مخفی است.»

این موضوع در کمیسیون های قضایی نیز مطرح شده که از جمله می توان به کمیسیون ذیل اشاره نمود:

«نظریه اقلیت کمیسیون مجموعه نشست های قضایی این است که :

در جرایم مشهود هم نیاز به اجازه مقام قضایی است چرا که حرمت منزل واجب است و اگر در موقع تعقیب مجرم وارد منزل گردد ماموران باید منزل را تحت نظر داشته باشند و سپس می توانند وارد منزل شوند.

و نظریه اکثریت اعضا کمیسیون یعنی نظریه مصوب این است که اگر جرمی مشهود باشد با شرایط مذکور در ماده ۲۱ قانون دادرسی کیفری، اگر ماموران متهم را تعقیب کنند و در ادامه تعقیب مجرم وارد منزل شود بدون کسب اجازه از مقام قضایی می توانند وارد منزل شوند؛ چون ورود به منزل جزء لوازم تعقیب می باشد چرا که جرم اتفاق

افتاده و در وقوع آن شکی نیست و مشهود هم هست لذا اگر وارد منزل نشوند متهم می‌گریزد و دلایل از بین می‌رود. بنابراین در این موقعیت نیاز به کسب اجازه از مقام قضایی نمی‌باشد. البته جرم باید محرز باشد و زمان ورود ماموران بلافاصله باشد.

قانون گذار در ماده ۴۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مجدداً «تمام اقدامات لازم»^{۱۶} به منظور حفظ الات ... و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی وی استفاده کرده است که بازهم تاب تفاسیر مختلف و متنوع را دارد. قانون گذار در این خصوص نیز تکالیف جدیدی را برای ضابطین وضع کرده است که اهم موارد و مستندات قانون آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- انجام بازرسی در مهلت مقرر:

ماده ۳۵- ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضائی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

تبصره - چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضائی مربوط ارسال کنند.

۲- ورود به اماکن خصوصی و بسته فقط با اذن مقام قضایی:

ماده ۵۵- ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

۳- بازرسی در قالب و چهارچوب اذن قضایی:

ماده ۵۶- ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

۱۶ ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمامی اقدامات لازم، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام میدهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج میکنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده(۴۶) این قانون فقط در صورتی میتوانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

ماده ۵۷- چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل میکنند.

۴- اعلام و اثبات هویت و اذن قضایی برای بازرسی:

ماده ۵۸- ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت‌مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت‌مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

در صورت شکایت فردی که ضابطین بدون اذن قضایی به منزل وی وارد شده اند محاکم قضایی به موضوع رسیدگی خواهند کرد و ورود غیر قانونی به منزل جرم انگاری واقع شده و مقنن در این باره چنین مقدر می‌نماید:

« ماده ۶۹۱ هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.»^{۱۷}

در تفتیش و بازرسی از اماکن و اشیاء^{۱۸} به طور قطع میتوان گفت که ضابطین تنها زمانی اختیار به این کار دارند که اذن مقام قضایی را اخذ کرده باشند. مقنن در این خصوص آنقدر دقت نموده است که تفتیش برخی از اموال مثل تلفن و... در صلاحیت بعضی از مقامات ارشد قضایی قرار داده و همه مقامات قضایی را مکلف به اقدام از طریق آنان دانسته است. به عنوان مثال در مورد دسترسی به مکالمات و مراسلات افراد و اشخاص مقرر می‌دارد:

۱۷- جهت مطالعه در این خصوص رجوع کنید به آقایی نیا، حسین؛ جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی) ص ۱۸۷، انتشارات نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۱۸ ماده ۵۵- ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

ماده ۵۶- ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

« ماده ۱۵۰- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.»

به عنوان نمونه دیگر می‌توان به کنترل حسابهای بانکی افراد اشاره کرد که قانون گذار اذعان می‌دارد :

« ماده ۱۵۱- بازپرس میتواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حسابهای بانکی اشخاص را با تأیید رئیس کل دادگستری استان کنترل کند.»

پس ضابطین قضایی در حوزه عملکرد خود در ارتباط با جرایم مشهود باید به این موارد توجه داشته و پا را از حریم قانون فراتر نگذارند زیرا حریم خصوصی افراد باید در جریان تحقیقات مقدماتی حفظ گردد و نقض یا محدود ساختن آن تنها بر مبنای ضرورت و در حدود مقرر توسط قانون گذار صورت پذیرد.^{۱۹} به عنوان مثال در جمع آوری دلایل و مستندات جرم حق تفتیش تلفن همراه فرد دستگیر شده را به قصد استخراج مکالمات و غیره ندارند. در ذیل مجازات برخی از این تفتیش ها در صورت نبود دستور قضایی یاد آوری می‌شود :

« هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

وظایف ضابطین در جرایم غیرمشهود

تعریف جرم غیرمشهود

از جرم غیرمشهود در هیچ کدام از قوانین تاکنون تعریفی به میان نیامده است و تعریف جرم غیرمشهود از مفهوم مخالف جرم مشهود استنتاج می‌شود. در واقع جرم غیرمشهود تمامی جرایمی را در بر می‌گیرد که در مرئی و منظر ضابطین یا عامه مردم واقع نشده باشد و بزه دیده فوراً از جرم بر علیه خود مطلع نشده یا آن را در قالب شکایت

۱۹ میرشمس شهبهانی، مانده، حمایت از حریم خصوصی در جریان تحقیقات مقدماتی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ۱۳۸۶، دانشگاه تهران

مطرح نکرده باشد. برخی از جرایم نیز دارای بزه دیده خاص به معنی افراد واحد یا یک گروه خاص از جامعه را در بر نمی‌گیرد بلکه نظم اجتماعی یا امنیت یک جامعه را مخدوش می‌سازد.

وظایف ضابطین در مواجهه با جرم غیر مشهود

ضابطین پس از اطلاع از وقوع جرم غیرمشهود یا اعلام شکایت از سوی افراد بایستی به شرح قانونی ذیل عمل نمایند: «ماده ۴۴- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و أخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند.»

این عدم حق مداخله و اقدام از سوی ضابطین قضایی مانع از این نیست که آنها شکایت افراد را قبول نکرده و آن را متضمن دستور قضایی بدانند بلکه موظف هستند در همه اوقات شکایت را قبول و شاکی را از حقوق حقه خود آگاه کنند. مقنن در این مورد به صراحت بیان می‌کند:

« ماده ۳۷- ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی میرسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.

ماده ۳۸- ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.»

البته بر اساس قانون ضابطین حق دارند تا در جرایم غیرمشهودی که اطلاع آن از منابع موثق نیست تحقیقات نامحسوسی را انجام دهند. این اذن قانونی که دارای سابقه تقنینی در قانون سابق آیین دادرسی کیفری بوده با محدودیت بیشتری در حوزه عملکرد ضابطین در قانون جدید (آ.د.ک ۱۳۹۲) وارد شده است. مقنن در قانون پیشین چنین اعلام میداشت:

«ماده ۲۲ - هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد، قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می‌دهند.»

همانطور که مشاهده می‌شود ضابطین در قانون قبل فقط حق دستگیری و یا ورود به منزل افراد را نداشتند اما در قانون جدید به شرح ذیل قیود دیگری نیز بر آن اضافه شده است:

« ماده ۴۳- هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل

تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب را اتخاذ می‌کند.» ضابطین بر اساس قانون جدید حق احضار و جلب افراد را در این مورد بدون اذن مقام قضایی ندارند و بایستی هر اقدامی با اذن مقام قضایی باشد.

ضمانت عدم اجرای وظایف از سوی ضابطان

قانون‌گذار تکالیف و اختیارات وسیعی را در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای ضابطین قضایی اعم از نظامی و غیرنظامی در نظر گرفته است. در کنار این صلاحیت‌ها، قانون‌گذار برای عدم انجام وظایف ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است. مقنن در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به شرح ذیل تعیین تکلیف نموده است:

« ماده ۶۳- تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.»

نتیجه‌گیری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اسفند ماه تصویب و در تیرماه سال ۱۳۹۴ بر اساس مهلت‌های تهیه شده اجرایی گردید. نمایندگان مردم و دست‌اندرکاران اجرای این قانون در دو مهلت شش‌ماه مقدمات و بسترهای اجرای آن را فراهم کردند. یکی از پیش‌نیازها اجرای نظرات مقنن در حوزه ضابطین قضایی نظامی و غیرنظامی نظیر دریافت کارت ویژه ضابطین و .. است.

با توجه به مطالبی که در خلال فصول و مباحث فوق مطرح شد به خوبی اهمیت و جایگاه ضابطین و تغییرات ایجاد شده در حیطه کاری آنها مشخص می‌شود. این عنایت ویژه قانون‌گذار به آموزش ضابطین، استفاده گسترده از ابزار دادرسی الکترونیک، رعایت حداکثری رفتار حرفه‌ای و ... همه و همه حکایت از نظر مدوّنین قانون برای تحقق قانون‌گرایی دارد.

یکی از راهکارهای قانون‌گرایی قضایی و انتظامی که تبلور آن در قانون مورد بحث به خوبی مشهود است؛ رعایت کامل قانون و اهتمام به اجرای دقیق آن است. ضابطین قضایی بازوان قدرتمند و توان اجرایی محسوب می‌شود پس التزام این قشر به قانون یا قانون‌گریزی احتمالی و نادر آنها به سرعت نمود خود را خواهد داشت.

منابع

۱-قرآن کریم

۲-آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲ ص ۲۷

۳-آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، انتشارات سمت، تهران، ج هشتم،

- ۴- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری ص ۱۲ جلد اول، انتشارات سمت چاپ ۱۵ سال ۱۳۸۸
- ۵- آقایی نیا، حسین؛ جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی) ص ۱۸۷، انتشارات نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵
- ۶- خالقی، علی؛ تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه ها، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۶، ص ۱۳، سال ۱۳۸۸
- ۷- خالقی، علی؛ علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، ص ۴۰، سال ۱۳۸۳
- ۸- قاسم پور، ابوالقاسم، ضابطین قوه قضائیه و وظایف آنها در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و قوانین متفرقه، ص ۷۵ به بعد؛ تهران، نشر افق امید سال ۱۳۸۷
- ۹- معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی ن. م، استعلامات قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، ج دوم، انتشارات فکرسازان، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین
- ۱۱- میر شمس شهبهانی، مانده، حمایت از حریم خصوصی در جریان تحقیقات مقدماتی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۶، دانشگاه تهران
- ۱۲- نجابتی، مهدی، پلیس علمی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۴-۱۳۸۲
- ۱۳- هنرمند نیا، احسان، امنیت و اهمیت آن، ص ۱.

قوانین

- ۱- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به همراه قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳، گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، انتشارات چتر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۴
- ۲- قانون اساسی، هوشنگ ناصرزاده، انتشارات خورشید، فروردین ۱۳۷۹
- ۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، گروه علمی موسسه آموزش عالی چتر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۴
- ۴- مجموعه قوانین کاربردی مجد، قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، مجمع علمی و فرهنگی مجد، انتشارات مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۹

Understanding the duties and responsibilities of the bailiffs

Seyyed Mehdi Hoseini*¹

Received: 21-01-2019

Revised: 08-06-2019

Accepted: 04-08-2019

Abstract

The Criminal Procedure Code was adopted in March 2013 and the law itself was foreseen to be delayed by six months to create the necessary context. In light of the provisions contained in the law itself and the provisions for its implementation, it was again approved by the Islamic Consultative Assembly for another six months to enforce the law. Alanahi was executed on a timely basis in July 2015 with the due diligence of all those involved, especially the special attention of the judiciary.

In terms of quantity and content, the law has a wide variety of changes and innovations to other laws enacted in determining the form of criminal procedure. In this law, the principles of the old and modern jurisdiction, the duties of the investigating and prosecuting authorities, the formation of new courts and One of these changes relates to clerical affairs.

However, given the changes and the development of new cases concerning judicial registrars, the new assignment, the powers assigned to them, and in particular the guarantee of criminal prosecution for violating the rules of law, it will be very useful that these arms of the judiciary and Social order holders, security guards are well acquainted with these legal matters. This knowledge of the law will make Madwin's views well-founded, and may God willing the collection be a positive step.

Keywords: Bailiffs, general bailiffs, special bailiffs, judicial orders.

¹*_